

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0714

<http://hdl.handle.net/2333.1/0vt4b8k7>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

۴۵۷

۱۹۵

۷۲۵



(هدایات مجازات)



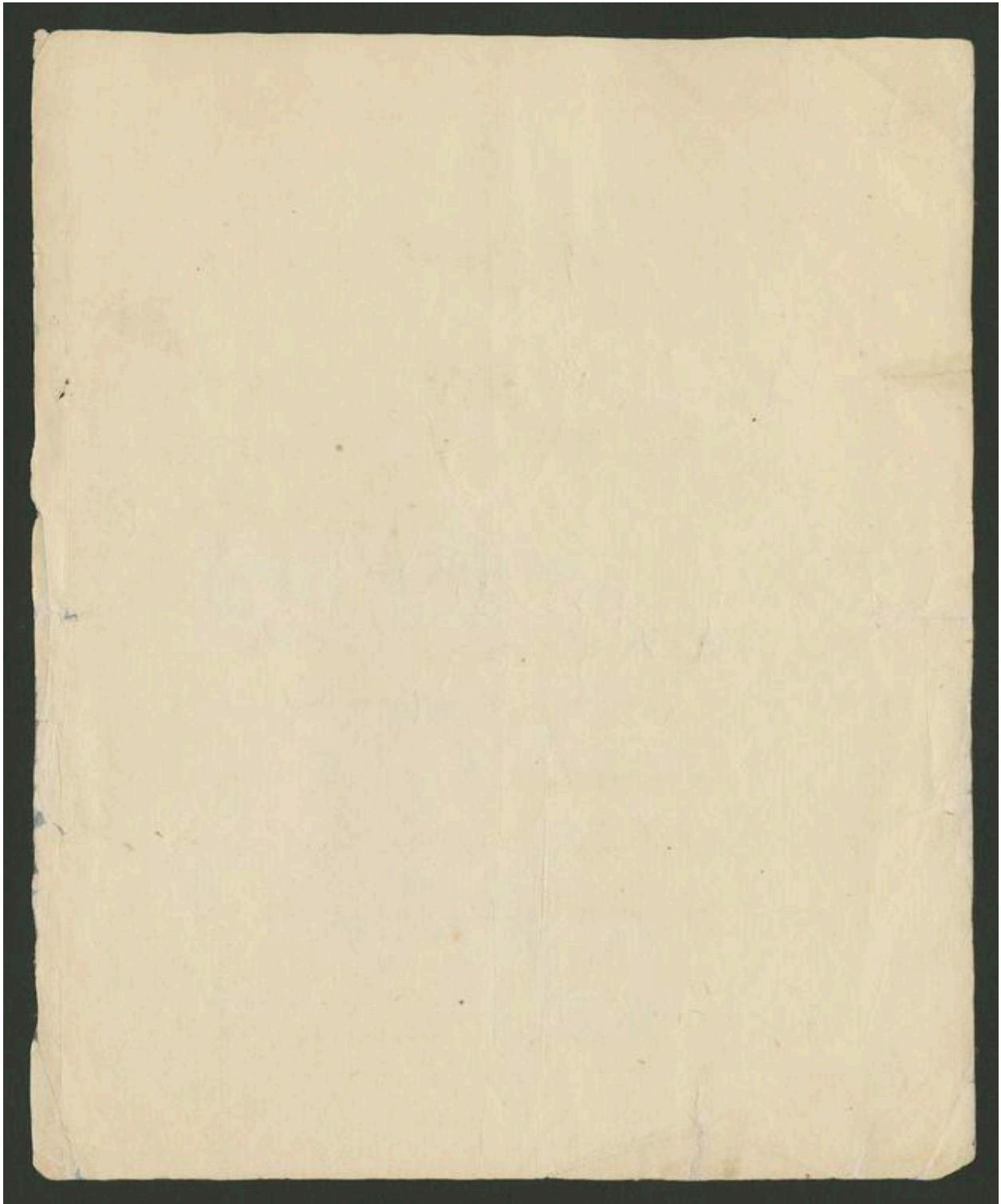
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۶۰۰

تعداد و طبع

سید

بیمبر



(من میسل سوئیخبر)

Handwritten notes on the right margin, possibly a signature or date.

مجازات:

کتاب سنرا که در آن چگونگی جرم و آئه سرشس باد سخط
معلم و نگران مرقوم میسگرود:

اقسام سنرا:

اطاعت و رض نخستین طالب العلم است و از ان
انحراف سنرامی آرد - تویج زبانی استاد و ملامت لیکر
هم صنفان بهترین سنراست و این کامیاب شمرده میشود اگر
مجرم نادوم و ناسپ گردد - اگر معلم به مناسبت رشد و کلانی طلبه
برگناه یکی آنها را برای تجویز سنرا گمارد و اگر آن درست نباشد
محدث ترسیم نماید بزه کار پیش هر ان خود . فجل و خوار شد
او و دیگران هم در غلام سو جو دگی اساتذده مرکب شمعارت
نخواهند شد .

سزای پنج قسم است (۱)

ملاست - اگر خطا در تنهایی کرده است تنها ملاست کرده شود
و در صورتیکه روبروی دیگران مخالفت قاعده و رزیده باشد تنبیه
و اخطار بوضاحت و شدت کرده شود اما در الفاظ موجز و موثوق
و مذمت آن فباحث بکلمات نرم و سست نباشد سزای
اقلیکه برای آن مقرر است و اذن بهتر است در امور فضیحه و
شیعه معلم باید بریاسر معلم در باب سزا مشورت نماید - جزای
بدنی فقط تعلق به بریاسر معلم دارد و احدی از معلمین اختیار
لذت کردن ندارد الا در حال شاذیکه طلبه با هم جنگ کنند و
بفحاشی و حکم زبانی باز نیایند یا کدام تنعلم بر خود معلم حمله آور
گردد، برای عتاب و کسب ذمینی طعن و اذن و ملاست
کردن ممنوع است و نیز کوتاهی های سابقه که
بیاد آوردن نهایتاً منصرف از عادت قصور محکم میگردد.

۳

(۲)

محرومی - طلباء در جماعه بقرار نمبرهای مجموعی امتحان نمی نشینند -
اگر بعد از ملامت هم کسی باز نیاید در چه سست او در جماعت پستر
گردانیده شود تا اعاده صلاحیت نموده ، در میعاد معین مرتبه
خود را استرداد نماید - در بازیها و ورزش و تفریح حق
شرکت را ضائع کند - از انعامات محروم گردد - اگر در جماعت
منصب دارد ، ازان معزول شود نشان اگر داشته باشد
سلب گردد تا اصلاح او پدید آید .

(۳)

سبق زائد - اگر برای غفلت یا خطاستق زائد برای یاد
کردن در خانه داده شود مثلاً یک دو صفحه نوشتن آن مضمون
داده شود که بچه ازان استفاده کرده بتواند تکرار نوشتن بکند
خوب نیست بلکه عبارت مفید و دلچسپ باشد .

(۴)

معطلی بعد کتب - از نیم ساعت اضافه نباشد و درین وقت بهمان

کارکنند که از غفلت آن مستوجب سزا شده است معلمان
بنوبت نگرانی اینچنین سزایافتگان نمایند .

(۵)

سزای جسمانی - اگر مجازات مذکوره بالا عاجز آید یا طالب علم
اقدام بر خطا سه فاحش نماید مجوریت بضر می افتد -
یک ساعت بعد از اصدار جرم بوجودی - سرجماعت این
سزا داده شود . البته اگر گناه تعلق بجماعت یا مکتب دارد پیش
روی جماعت یا مکتب رسوا گردد - بشدت غضب طرفین
این سزا داده شود همین سبب تاخیر یک ساعت است
سزا در قوه از فعل موثرتر است هر قدر که زیاد شد اثرش
زایل می شود و نیز همردی دیگر هم صنفان برانگیزه مجرم
برای آینده دلیرتر گردانیده میشود - همین است باعث سزا
تهنایی - کثرت این سزا دیگر باین سبب مطلوب نیست که بچندیل
و پی غیرت میشود و گاهی با معلم کینه و عناد می پروراند - در صورت
سرکشی و تانوی شکستی این سزا داده میشود اما لازم هست که بعد از

وقوع جرم بدست زیاد نگذرد و ملزم صریحاً بداند که براس چه علت
میخورم بلکه اول قابل کرده شود - زمان موردیت این سزا
اوسطاً از شش الی دوازده سال است - درین آوان
هم برای اصلاح عادات قبیه سزای تدریجی مفیدست
اگر برای اصرار بجرائم سزای مدنی ناگزیر نشود آله سزا سبکتریم
باشد بجهت حساس جسم زده نشود - بدست چپ از یک
الی ده چوب بیشتر استعمال نشود و اگر مجرم دست نکشد
بواسطه سرجامت و شش دراز گرفته شود - اطفال نحیف
و ضعیف معذور داشته شوند برای شان دیگر اقسام
پروازید زیرا بلامت و محرومیت و معطله بعد مکتب
اسرع الاثر میباشند - برای طلبا فهمایش
حقیقت سزا ضروریست که چون دست در میان
آتش میسوزد ارتکاب جرم هم سوزش می آید
مشلیکه زهر انسان را هلاک میسازد یا اغذیه مضر متواتر
استعمال شده مرض الموت میگردد گناه کبیره هم

به نسبت خود غدا ب نازل میکند .
 کی نکو کردی و کی کردی تو شر
 که ندیدی لایقش در پی اثر
 گر مراقب باشی و گیرے کسن
 حاجتت ناید بقیے آمدن

اخراج از مکتب بمنزله اعدام است - چون همه علاج ها
 بیسوود گردد از نابردن عضوا احتمال ضرر بدیگر اعضا رود
 یا حرکت تنیه از وسوزده است که شمولیت او بکتاب
 موجب تحسیر و توپین معارف است طرد واجب
 میشود سر معلم یا دبیر مجلس مشورت با معلمان منعقد کرده
 فیصله طرد را بوزارت معارف میفرستند و مجلس
 مأمورین حکم آخری اجراج صادر میکنند . حاجت این
 سزاها از پی پرانی نگرانان و سستی قواعد و مجهولیت
 مقاصد می افتد - لازم است که معلمان ضابطه و ضوابط
 منضبط بانصیب العین ظاهر و باهر اداره ظاهره مکاتب بنمایند

از طلبا بہمت و رحمت کشتی متوقع است کہ در
تعمیل و پابندی احکام بنمایند و عیش و آرام را
بر خود حرام گردانند .

ناز و لے زوی نہ اخل ادب
اود سورے نخل نہ نیسی رزہ

—————
—————
۰۳۱

